

بررسی نقش و موقعیت ایران

در نظریه‌های ژئوپلیتیک

سیدعباس احمدی*

تاریخ دریافت ۸۶/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش ۸۷/۱/۲۴

ایران کنونی، در بین کشورهای جهان که اکنون شمارشان از ۲۰۰ کشور فزونی گرفته است، فقط یک کشور است، اما به برکت تاریخ و تمدن پیچیده و مستمر و خارق‌العاده کشورمان ایران یکی از معدود کشورهای متمدن و دارای فرهنگ غنی و متمایز از دیگران است. ایران کشوری است که در آن مردم خود را با پیشینه تاریخی باشکوه و پیشرفته می‌شناسند و این سرزمین حتی بعد از جدا شدن بخش‌های زیادی از آن همچنان گسترده است.

«ایران» به معنی «سرزمین آریاییان» است. ایران کنونی کوچک‌شده کشور پهناوری است که سرزمین‌هایی به مراتب گسترده‌تری را در بر می‌گرفته است. در عین حال، قرار گرفتن ایران در میان آب‌های آزاد خلیج فارس و دریای عمان در جنوب و دریای خزر در شمال، این کشور را در موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی و ژئوپلیتیکی قرار داده است. ایران به دلیل همین موقعیت مناسب و ممتاز همواره در استراتژی‌های جهانی جایگاه ویژه‌ای داشته است و هنوز دارد. نقش برجسته ایران در این مورد، که بیشتر متأثر از فضای جغرافیایی و موقعیت ارتباطی است، باعث شده تا اندیشمندان و نظریه‌پردازان در نظریه‌های خود توجه ویژه‌ای به ایران داشته باشند.

این مقاله در صدد است تا ضمن بررسی اهمیت نقش ایران از جهات گوناگون — به بررسی جایگاه، نقش، و موقعیت این کشور در برخی از نظریه‌های جهانی بپردازد و این موضوع را خصوصاً از دید جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک مطالعه کند.

کلیدواژه‌ها: ایران؛ ژئوپلیتیک؛ جغرافیای سیاسی؛ نظریه‌های جهانی

* دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس؛

E-mail: ahmadi@modares.ir.

مقدمه

ایران، از نظر جغرافیایی، با گستره‌ای برابر با ۱,۶۴۸,۱۹۵ کیلومتر مربع (بختیاری، ۱۳۷۸، ص ۸۰)، از شمال به دریای خزر و جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان، نخجوان، و ترکمنستان محدود است و از شرق به افغانستان و پاکستان، از باختر به ترکیه، و عراق، و از جنوب به خلیج فارس، دریای عمان، و گوشه شمال باختر اقیانوس هند.

فضای جغرافیایی فلات ایران به لحاظ انسانی و فرهنگی نیز ساختار انسانی و فرهنگی خاصی دارد که با قلمروهای انسانی و فرهنگی متمایز می‌شود. قلمرو فرهنگی- انسانی ایران در شمال با قلمرو ترک و توران از یک سو و قلمرو روسی- اسلاوی از سوی دیگر، در شرق با قلمرو فرهنگ چینی و هندی، و در جنوب و غرب با فرهنگ و قلمرو تمدن عربی و سامی محدود می‌شود. بنابراین، ایران هویت فرهنگی و تمدنی خود را در بین قلمروهای فرهنگی و تمدنی همسایگانش حفظ کرده و در سطوح ارتباط قلمرو ایران با سایر قلمروها نواحی فرهنگی‌ای پدید آمده است که هویت ترکیبی آنها را خصلت‌های فرهنگی- تمدنی ایران و تمدن مجاور آن تشکیل می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۱۵).

فضای جغرافیایی ایران به لحاظ موقعیت ارتباطی در محور شمال- جنوب، دو عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می‌دهد و در مسیر کلی ارتباط قاره‌های اروپا و آسیا و اقیانوسیه، به‌ویژه جنوب و جنوب شرق آسیا، قرار دارد. از این رو، ایران همواره در معرض تعاملات، استراتژی‌ها، و تحولاتی قرار دارد که به هر نحو با موقعیت ارتباطی آن مرتبط باشند. ایران از لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، طی دو قرن اخیر، دقیقاً در حد فاصل استراتژی‌های دو قدرت بزرگ جهانی رقیب قرار داشته و نقش حایل را در رفتارهای رقابت‌آمیز قدرت‌های جهانی بازی کرده است (همانجا).

۱ اهمیت ایران

ایران مهد تمدن و سرزمینی تأثیرگذار در زندگی مردم شرق و حتی کشورهای غربی بوده

است. بسیاری از محققان و دانش پژوهان در مطالعات خود به تأثیرات وسیع و نفوذ عمیق فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی در ملل مختلف اشاره کرده‌اند و ابعاد زیادی از آن را مشخص ساخته‌اند. مثلاً، پروفیسور ژان گاتمن،^۱ پا را فراتر نهاده و در این مورد می‌گوید: «ایران می‌بایست بخشی از جامعه انسانی باختر جهان بشری شمرده می‌شد و من گمان دارم همین برداشت چیزی بود که اسکندر کبیر مقدونی، شاگرد اسکندر، در راستای آیین بزرگ فلسفی باختر در ایران یافت و همین انگیزه بود که تا آن اندازه توجهش را جلب کرد که می‌خواست ساختاری مسالمت‌آمیز و بر اساس همکاری چند ملیتی میان ایرانیان و یونانیان در درون امپراتوری بزرگی که می‌خواست پدید آورد...» (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، ص ۱۰۳).

فولر^۲ که مدت مدیدی از زندگی خویش را در خاور میانه سپری کرده و با زیربنای تاریخی و اجتماعی مردم این منطقه آشنایی دارد در مورد غنای تمدن و فرهنگ ایرانیان معتقد است: «ایرانیان در این احساس نیرومند غرور غوطه می‌خورند که ایران دارای یکی از کهن‌ترین فرهنگ‌های جهان است که سابقه آن به پیش از بنیانگذاری امپراتوری هخامنشی در قرن ششم قبل از میلاد — نخستین امپراتوری شناخته‌شده جهان در تاریخ — یعنی کورش کبیر می‌رسد. این امپراتوری بخش‌های وسیعی از جهان شناخته‌شده آن روز، از هند تا یونان و از آسیای مرکزی تا مصر، را در بر می‌گرفت. سلسله‌های ایرانی بزرگ دیگری که نفوذ جهانی قابل توجهی داشتند جانشین این سلسله شدند: پارت‌ها، امپراتوری ساسانی، خلافت عرب / ایرانی عباسیان و سلسله صفوی» (فولر، ۱۳۷۳، ص ۱۹).

پروفیسور ایلیف^۳ یکی دیگر از دانشمندان باخترزمین در مورد نقش و تأثیر مردمان ایران باستان در تمدن بشری این گونه اظهار نظر می‌کند: «با توجه به نقش بزرگی که آریاییان در تاریخ جهان داشته‌اند ریشه ما (بازماندگان آنان) و سرزمینی که گهواره نژاد ما بوده است چه بیگانه می‌نماید. دورنمای گسترده شهروندی ایرانی که نیاکان ما از آن

1. Jean Gottman
2. Graham E. Fuller
3. Iliff

برخاسته‌اند و شکوفا شدند به اندازه فاصله ماه از زمین برای این فرزندان دور می‌نماید» (Liff, 1953, pp. 1-39).

به اعتقاد برخی از اندیشمندان، آنچه امروزه زیربنای شهروندی جهانی بشر را شکل داده و کامل کرده همان آموزه‌های ایرانیان به یونانیان بود که به‌ویژه بعد از حمله اسکندر، زندگی انسان‌های ساکن در کره خاکی را متحول ساخت (مجتهدزاده، همان، ص ۱۰۳). فیلیپانی-رونکونی^۱ در این باره چنین اظهار نظر می‌کند: «میراثی که از ایرانیان برای باخترزمین مانده است و هنوز هم در جهان‌بینی و اندیشه و ساختارهای فرهنگی باخترزمین جلوه دارد بی‌شمار است. اگر ریشه‌یابی و تشخیص چهره این پدیده‌ها گاه دشوار می‌نماید، بدین علت است که این میراث از راه فرهنگ‌های واسطه به غریبان رسیده و جلوه‌های باختری یافته است ... نخستین پدیده‌ای که می‌توانیم آن را ساختار عمودی حکومت نام دهیم در شمار این میراث کهن است. این پدیده که از راه ساختار حکومتی و پسین امپراتوری روم و پیدایش دوباره آن در قرون وسطی به جهان امروز رسیده است از راه ساختارهایی چون سرداری و شوالیه‌گری به گونه‌ای ابهام‌آمیز و در پوششی سلتی-ژرمانیایی به جوامع اروپایی راه یافت و بعدها جلوه‌ای مسیحی یافت» (Fillipani-Ronconi, 1978, pp. 1-2).

علاوه بر این اهمیت انکارناپذیر (که به گوشه‌ای از ابعاد تاریخی آن اشاره شد)، باید خاطر نشان کرد که در حال حاضر نیز ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک جایگاه و موقعیت مهمی دارد. بنابراین، شایسته است در اینجا، ضمن معرفی مختصر دانش ژئوپلیتیک، به بررسی این نظریه‌ها و موقعیت ایران در آنها پردازیم.

۲ ژئوپلیتیک و نظریه‌های آن

ژئوپلیتیک دانشی است که به بررسی نقش عوامل جغرافیایی در سیاست می‌پردازد (عزتی، ۱۳۸۰، ص ۵). حوزه این دانش در شهرهای استعماری امپراتوری‌های رقیب اواخر قرن

1. Fillipani-Ronconi

نوزدهم و در دانشگاه‌های تأسیس شده، انجمن‌های جغرافیایی، و مراکز یادگیری قدرت‌های بزرگ خلق شد (Otuathail, 1996, p. 21). در عین حال، ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی در دیدگاهی دیگر به معنای علم مطالعه روابط قدرت‌هاست. ژئوپلیتیک در قرن بیستم زاده شد، با پیچ و خم‌های آن در آمیختن و با پرتلاطم‌ترین مقاطع آن هویت یافت و با جنبش‌های ملی نیمه نخست قرن همراهی کرد، اما نقش الهام‌بخش آن در برنامه توسعه طلبانه هیتلر آن را چنان بی‌اعتبار کرد که، پس از جنگ جهانی دوم، از صحنه اندیشه‌های بین‌المللی رخت بربست. با این همه، در پانزده سال اخیر به سرعت به صحنه بازگشت و به مثابه روشی برای شفاف کردن و حتی پیش‌بینی هدف‌ها، نیت‌ها، و راهبردهای بازیگران و کارگردانان مختلف سیاست جهانی در روابط بین‌الملل هویدا شد. این نخستین بخش، با کنار زدن آنچه در صد سال اخیر روی داده است، نخستین سنگ بنای ژئوپلیتیک سنتی را استوار کرد و از شیوه‌های عمل جدید در ژئوپلیتیک معاصر یاری جست (لورو و توال، ۱۳۸۱، ص ۱). اکنون، از سال ۱۸۹۹ که اولین بار رودولف کیلن^۱ سوئدی اصطلاح ژئوپلیتیک را وضع کرد (مویر، ۱۳۷۹، ص ۳۶۶) بیشتر از صد سال می‌گذرد. در این تاریخ تقریباً صدساله، اندیشمندان ژئوپلیتیک نظریه‌های مختلفی پیشنهاد کرده‌اند.

۲-۱ سر هالفورد مکیندر و نظریه هارتلند

سر هالفورد مکیندر^۲ (۱۸۶۱-۱۹۴۷) را احتمالاً باید معروف‌ترین بنیانگذار ژئوپلیتیک سنتی دانست. شهرت او عمدتاً مدیون مقاله‌ای است که با عنوان «محور جغرافیایی تاریخ»^۳ در سال ۱۹۰۴ در مجله جغرافیایی^۴ منتشر شد (لورو و توال، همان، ص ۱۵). مکیندر قاره‌های اروپا، آسیا و آفریقا را به شکل جزیره جهانی می‌شناخت و آنها را به همین نام معرفی کرد. جزیره جهانی دوسوم خشکی‌های جهان و هفت‌هشتم جمعیت دنیا را در بر می‌گیرد. کلید

1. Rudolf Kiellen

2. Sir Halford Mackinder

3. The geographic pivot of history

4. *Geographic Journal*

جزیره جهانی ناحیه مرکزی^۱ است. وی ناحیه مرکزی را منطقه وسیعی می‌داند که از غرب به رودخانه ولگا، از شرق به سیبری غربی، از شمال به اقیانوس منجمد شمالی و از جنوب به ارتفاعات هیمالیا، ارتفاعات ایران، و ارتفاعات مغولستان محدود می‌شد. به نظر او هیچ یک از قدرت‌های دریایی نمی‌توانست تهدیدی برای ناحیه مرکزی باشد (عزتی، همان، ص ۱۳).

به نظر مکیندر، اطراف ناحیه مرکزی را دو ناحیه فرا گرفته است: (۱) هلال داخلی یا حاشیه‌ای^۲ شامل سرزمین‌هایی که پشت به خشکی اوراسیا و در کنار آب قرار دارند و در دسترس قدرت‌های دریایی‌اند و با موقعیت ساحلی خود عمدتاً نقشی ژئواستراتژیک ایفا می‌کنند. (همان، ص ۱۳). هلال داخلی بیشتر کشورهای اروپای غربی و خاور میانه از جمله ایران و آسیای جنوبی و شرقی را در بر می‌گیرد. (۲) هلال خارجی یا جزیره‌ای^۳ که شامل بریتانیا، ژاپن، و استرالیا است. مکیندر نهایتاً در سال ۱۹۱۹ بیانیه معروف خود را ارائه کرد (Glassner, 1992, p. 226): «کسی که بر شرق اروپا تسلط یابد، بر ناحیه مرکزی حاکم خواهد بود، کسی که حاکم ناحیه مرکزی شود بر جزیره جهانی حکم خواهد راند، و کسی که بر جزیره جهانی حاکم باشد، بر دنیا مسلط خواهد بود» (Ibid).

با نگاهی به ساختار فضایی نظریه ناحیه مرکزی مشخص می‌شود که مکیندر ایران را به دو بخش تقسیم می‌کند. از ارتفاعات البرز به سمت شمال، یعنی تمام مساحت استان‌های گیلان، مازندران، و گلستان کنونی، به انضمام منطقه شمال خراسان و نوار باریکی در شمال آذربایجان جزء ناحیه مرکزی است. در واقع، این قسمت از شمال ایران بخش اندکی از جنوب منطقه‌ای است که او اصطلاحاً آن را «قلب جهان» می‌نامید. بقیه مساحت ایران یعنی از ارتفاعات البرز به سمت جنوب در نظریه مکیندر جزء هلال داخلی است. این بخش از ایران جزء سرزمین‌هایی است که چون کمربندی ناحیه مرکزی را محاصره کرده‌اند. همجواری با ناحیه مرکزی از یک طرف و دسترسی به آب‌های آزاد از سوی دیگر

-
1. heartland
 2. inner or marginal crescent
 3. outer or insular crescent

بهترین موقعیت ارتباطی و استراتژیک را هم برای تهدید ناحیه مرکزی و هم برای دفاع از آن در اختیار ایران قرار داده است. صحت تصورات مکیندر در مورد نقش منحصر به فرد ایران در دو جنگ جهانی، به ویژه در جنگ جهانی دوم، تأیید شد که مسیر راه آهن شمال- جنوب ایران مورد استفاده نیروهای درگیر در جنگ قرار گرفت.

۲-۲ آلفرد ماهان و نظریه قدرت دریایی

دریاسالار آلفرد ماهان^۱ فارغ‌التحصیل آکادمی دریایی آمریکا، چهل سال از عمر خود را در نیروی دریایی این کشور سپری کرد و مدتی نیز رئیس دانشگاه جنگ وابسته به نیروی دریایی ایالات متحده بود (عزتی، همان، ص ۵۴). وی از پیشکسوتانی است که اهمیت قدرت دریایی یا سلطه بر دریاها را مطرح می‌سازد. به گمان وی، توفیق برخی از دولت‌ها در جای دادن خود بر تارک سلسله مراتب دیگر دولت‌ها مدیون همین عامل است. ماهان در سال ۱۸۹۷ در کتاب *منافع آمریکا در سلطه بر دریاها*^۲ نظریه خود را مبنی بر هدایت عملی کشورش در راه ارتقا به قدرت جهانی ارائه کرد. او به ذاتی بودن قدرت در فضای آبی اعتقاد داشت و آب را منشأ قدرت می‌دانست. وی آمریکا را مصداق بارز کشورهایی می‌دانست که وضعیت و موقعیت لازم را برای نیل به سلطه دارند. او موقعیت جزیره‌ای و آزادی عمل تجاری این کشور را بر پهنه اقیانوس‌ها دلیل ادعای خود می‌دانست (لورو و توال، همان، ص ۲۰).

ماهان در نظریه‌اش معتقد بود ایران موقعیتی گذرگاهی دارد. ایران در چارچوب فضایی نظریه قدرت دریایی جزئی از مجموعه شبه جزایر است که در سطح گسل و سطح اتصال آب‌ها و خشکی‌هاست. در اینجا مهم‌ترین نقش ایران این است که در مسیر دسترسی نیروی زمینی روسیه به اقیانوس‌های جهان قرار گرفته است. بنابراین، ایران بهترین مکانی است که در آنجا می‌توان مانع حرکت روسیه شد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۱۵).

ماهان به دولت ایالات متحده پیشنهاد می‌کرد که بر دریای کارائیب، کانال پاناما،

1. Alfred Mahan

2. *The Interest of America in Sea Power*

منطقه هاوایی و جزایر آن مسلط شود و از این دو محور ژئواستراتژیک در آسیا به شدت محافظت کند: (۱) محور ایران و افغانستان، (۲) محور شرق آسیا. ملاحظه می شود که در بین این مسیرها محور شرق آسیا به دلیل اوضاع طبیعی و انسانی همچون گستردگی منطقه سبیری و برودت هوا، حضور قدرت های منطقه ای مثل ژاپن و ... اهمیت کمتری دارد. در محور ایران و افغانستان نیز به مسیر افغانستان به دلیل وجود رشته کوه های صعب العبور و نبود دسترسی به آب های آزاد کمتر توجه می شد. در نتیجه، ایران مناسب ترین مسیر دستیابی به دریا های جهان شناخته شد و جایگاه ژئوپلیتیک این کشور را در نظام سلسله مراتبی کشورهای جهان ارتقا بخشید.

۳-۲ نیکولاس اسپایکمن و نظریه ریملند

اسپایکمن^۱ در کتاب *جغرافیای صلح*^۲ (که پس از مرگش در سال ۱۹۴۴ به چاپ رسید) عقاید خود را که بیشتر در نقد اندیشه های مکیندر و هاوس هوفر بود بیان کرده است. او چارچوب فضایی نظریه مکیندر را می پذیرد، اما به جای ناحیه مرکزی هلال داخلی را که وی آن را اصطلاحاً ناحیه حاشیه یا مرزی^۳ می نامد واجد اهمیت می داند. از نظر اسپایکمن، منطقه مرزی کارکرد اصلی را دارد و منشأ اصلی تولید قدرت محسوب می شود. این منطقه در قالب فضای جغرافیایی دووجهی ترکیب آب و خشکی قرار دارد (حافظ نیا، همان، ص ۱۴). در عین حال، در نظریه منطقه مرزی، سهولت حرکت در دریا و تجارت دریایی برقراری سلطه نیروی قوی تر را که نمونه ای از ساخت ژئوپلیتیک جدید است، امکان پذیر می سازد و باعث می شود تا اسپایکمن در نهایت قدرت دریایی را کلید استراتژی جهانی در نظر بگیرد (عزتی، همان، ص ۱۸).

اسپایکمن در نظریه خود ایران را در قلمرو منطقه مرزی جای می دهد. قلمرویی که

1. Nicholas Spykman
2. *Geography of Peace*
3. rimland

بین منطقه مرکزی و آب‌های پیرامون قرار گرفته است و بیشتر رقابت‌ها و مخاصمات قدرت‌های دریایی و زمینی در آن به وقوع می‌پیوندد. منطقه مرزی از نظر تاریخی، محل ایجاد قدرت‌های کلاسیک قدیم مانند چین، هند، ایران، عثمانی، روم و ... بوده است. از آنجا که ایران معاصر در این نظریه جزئی از منطقه مرزی است، موضوع رقابت دو قدرت خشکی و دریایی است. ایران به مثابه بخش حساس منطقه مرزی میدان رقابتی برای قدرت‌هاست و بدون تردید هرکس این منطقه را در اختیار بگیرد می‌تواند قدرت جهانی را به دست گیرد و بر رقیبان پیروز شود. چنین به نظر می‌رسد که نظریه منطقه مرزی سیاست‌های جهانی دوره جنگ سرد و بعد از آن را شکل داده است و هنوز هم سیاست‌های جهانی تحت تأثیر این نظریه است.

بیشتر وقایع تاریخ معاصر ایران را نیز در قالب این نظریه می‌توان تحلیل کرد. موقعیت بی‌نظیر ایران در آن دوره باعث شده بود تا در حکم مهم‌ترین قسمت منطقه مرزی ایفای نقش کند. این باعث شد تا برخی نیروهای سیاسی داخلی از وضعیت موجود (که تأثیرپذیری مسائل کشور از دو قدرت برتر بود) خسته شوند و به دنبال نیروی سومی باشند. آنچه در زمان امیرکبیر اولین پیوندهای بین ایران و آمریکا را رقم زد، آنچه در دوران قاجار انقلاب مشروطه مردم ایران را شکل داد، مسائلی که در زمان رضاشاه پهلوی به حضور بیشتر و علنی‌تر آلمان در نقش نیروی سوم منجر شد، و نهایتاً واقعیت‌هایی که به وقوع پرشکوه‌ترین انقلاب مردمی در تاریخ بشر به رهبری امام خمینی (ره) منجر شد همگی زمینه‌های خروج ایران از وضعیتی بود که قرار بود بر اساس نظریه منطقه مرزی، ایران آن را به عهده بگیرد.

۲-۴ نظریه‌های ژئوپلیتیک کوئن

سوئل بی. کوئن،^۱ اندیشمند آمریکایی، صاحب دو نظریه در حوزه ژئوپلیتیک است. وی، در نظریه نظام ژئوپلیتیک جهانی، کشورهای جهان را عناصر یک نظام یکپارچه تصور

کرده است که با یکدیگر روابط نظام‌مند دارند و بر اساس تعاملات گسترش‌یابنده بین آنان همبستگی و انسجام این نظام دائماً توسعه پیدا می‌کند. نظام ژئوپلیتیک جهانی بر پایه تجارت خارجی، نظام شهری، عامل علم و فناوری، نیروهای اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی دائماً پویاست. به اعتقاد وی، نگرش نظام‌مند به ژئوپلیتیک جهانی برخلاف نگرش‌های کلاسیک منجر به توسعه همبستگی، همگرایی، همزیستی، و صلح بین اجزای نظام می‌شود (حافظ‌نیا، همان، ص ۹).

کوئن در کتابی، که آن را *جغرافیا و سیاست در جهان از هم‌گسیخته*^۱ نامید، نظریه ساختار ژئوپلیتیک جهان را ارائه داد. در این ساختار، جهان از دو قلمرو ژئواستراتژیک تشکیل می‌شود، که هر یک به چند منطقه ژئوپلیتیک و نیز سلسله قلمروهای فرعی‌تر تقسیم می‌شوند.

ایران در نظریه نظام‌بندی کوئن جزو عناصر بی‌قرینه است که معمولاً منشأ تحول‌اند. از نظر وی، ایران کشوری بنیادگراست که به دلیل شکل خاص نظام سیاسی و نحوه تعامل با نظام جهانی مورد توجه است. او در کنار ایران از لیبی، رادیکال، کوبای انقلابی، و رژیم صهیونیستی به مثابه دیگر عناصر بی‌قرینه نظام ژئوپلیتیک جهانی یاد می‌کند. کوئن در نظریه ساختار ژئوپلیتیک جهانی ایران را یکی از شش قدرت منطقه‌ای خاور میانه به حساب می‌آورد. خاور میانه در مجموع یکی از سه منطقه ژئوپلیتیک ویژه است که او آنها را اصطلاحاً «کمر بند خردشده»^۲ می‌نامد. دو منطقه جنوب شرق آسیا و افریقای جنوب صحرا قبل از اینکه در انتهای جنگ سرد به قلمرو ژئواستراتژیک دریایی پیوندند، به همراه خاور میانه، مناطق خردشده نظریه کوئن محسوب می‌شدند. او خاور میانه را به این دلیل منطقه خردشده می‌داند که از یک طرف مهم‌ترین عناصر منطقه‌ای آن مثل ایران، عراق، ترکیه، مصر، رژیم صهیونیستی، و سوریه با هم در رقابت‌اند و وحدتی بین آنان وجود ندارد و از

1. *Geography and Politics in a Divided World*

2. shattered belt

طرف دیگر قدرت‌های فرامنطقه‌ای نظیر امریکا، اروپا، چین، هند، و روسیه دائماً در مسائل این منطقه دخالت می‌کنند (همان، ص ۱۱).

بنابراین، از دیدگاه کوئن، ایران کشوری در منطقه خرد شده است که امکان اتحاد آن با دیگر کشورهای منطقه وجود ندارد. شاید بیشتر از دیگران روسیه، که نگران وضع جنوب خود است، از شکل‌گیری هر اتحادی بین ایران، ترکیه و قفقاز جلوگیری کند، زیرا چنین اتحادی می‌تواند امنیت مرزهای جنوبی روسیه را بر هم بزند.

۵-۲ ساموئل پی. هانتینگتن و نظریه برخورد تمدن‌ها

هانتینگتن^۱ روشنفکر دولتی است که در مسائل حکومتی به‌ویژه مسائل حکومت سلطه‌طلب، تخصص دارد. کمتر به این موضوع توجه می‌شود که مقاله معروف او با عنوان «برخورد تمدن‌ها»^۲ که در سال ۱۹۹۳ در مجله معتبر *فارین افیرز*^۳ به چاپ رسید، حاصل طرح تحقیقاتی گسترده‌ای بود که گروهی به سرپرستی وی در مؤسسه مطالعاتی اولین^۴ به انجام رساندند. از نظر هانتینگتن، جهان از ۷ یا ۸ قلمرو فرهنگی و تمدنی تشکیل شده است. این قلمروها اولین سطح تقسیم‌بندی بشر است که ساختار ژئوپلیتیک سیاست جهانی آینده را شکل خواهد داد (Huntington, 1993, p. 159). از نظر او، این تمدن‌های اصلی بشری عبارت‌اند از: تمدن غربی، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاوی-ارتدوکسی، امریکای لاتین، و احتمالاً تمدن افریقایی.

این تمدن‌ها در دو سطح خرد و کلان با هم در ستیزند. در سطح خرد، کشمکش بین گروه‌های مجاور هم (نظیر بوسنی) خواهد بود و در سطح کلان کشمکش بین دولت‌ها از تمدن‌های متفاوت صورت خواهد پذیرفت که برای دستیابی به قدرت و نهادهای بین‌المللی و نفوذ در طرف‌های ثالث با یکدیگر به رقابت خواهند پرداخت (اتوتایل، ۱۳۸۰، ص ۳۹۲).

1. Samuel Huntington
2. The Clash of Civilizations
3. *Foreign Affairs*
4. Oulin Studies Institute

هانتینگتن در مقاله خود از احتمال نزدیکی یا اتحاد تمدن‌های اسلامی و کنفوسیوسی و برخورد آنها با تمدن غرب سخن گفته و هشدار داده است. در هر حال، او نظریه خود را چارچوب مفهومی یا پارادایم تحلیل رخدادهای بین‌المللی دوره بعد از جنگ سرد، عنوان کرده است (امیری، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

ایران در نظریه برخورد تمدن‌ها در مرکز تمدن اسلامی قرار می‌گیرد و تمدن اسلامی وسط جهان قرار گرفته و از شمال افریقا تا جنوب فیلیپین را در بر می‌گیرد. بحثی که هانتینگتن مطرح می‌کند و بسیار هم خطرناک است این است که نه تنها امکان برخورد تمدن‌ها وجود دارد، بلکه جلوگیری از چنین برخوردهایی، در واقع، امکان‌پذیر نیست و به قول او لبه‌های این تمدن‌ها همیشه خونین است. اتفاقی نیست که مثال او برای این موضوع تمدن اسلامی است. چنان‌که مشاهده می‌کنیم، امروزه هر جا که تمدن اسلامی با تمدن‌های دیگر در رابطه است لبه‌های خونین دیده می‌شود (نصر، ۱۳۷۴، ص ۱۲۶).

مسئله مهم دیگر نظریه هانتینگتن در مورد ایران، نگاه غرب به آسیای مرکزی است. سرکوبی مطلق تمام نیروهای ملی و مذهبی آسیای مرکزی که با نام بنیادگرایی انجام می‌گیرد، به‌ویژه در تاجیکستان، عواقب وحشتناک و ناگواری به همراه داشته است. این حادثه، البته، برای فرهنگ ایران که تاجیکستان یکی از مهم‌ترین مراکز خارج از مرزهای کنونی‌اش محسوب می‌شود فاجعه‌ای بزرگ است (همان، ص ۱۳۰).

بدون شک ایران در جایگاه یکی از مهم‌ترین عناصر جهان اسلام ناچار است به فعالیت‌های درون تمدن اسلامی بیشتر توجه کند. هانتینگتن، علاوه بر این اشاره به نقش ایران در جهان اسلام، به صورت مودیانه و زیرکانه از نزدیکی زیاد ایران و پاکستان و چین اعلام خطر می‌کند. از نظر او، این حقیقت که این کشورها به امریکا کرنش نمی‌کنند و حاضر نیستند اوامر آن کشور را اجرا کنند ایجاب می‌کند تا غرب نگذارد چنین اتحادی به وجود آید. بدون تردید این گونه بزرگنمایی هانتینگتن و طرح آن از نظر اخلاقی مطرود و برای ایران خطرناک و فریبنده خواهد بود (همان، ص ۱۳۶).

۲-۶ جغری کمپ و ناحیه مرکزی جدید

خلیج فارس و دریای خزر — دو منطقه اصلی برآورنده نیاز روزافزون انرژی جهان در قرن بیست و یکم — برای غرب اهمیت فراوانی دارد. منابع نفتی دریای خزر، تا ۲۰۰ میلیارد بشکه تخمین زده شده است، در حالی که گمانه شرکت‌های فعال در منطقه میانگین ۹۰ میلیارد بشکه را تخمین می‌زنند که به میزان منابع نفتی کشف شده ایران نزدیک است. از طرفی، فقط دو کشور حاشیه دریای خزر، ایران و روسیه، حدود ۷۰ درصد منابع شناخته شده گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند (مجته‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۲۸۳). قابلیت افزایش تولید نفت حوزه خلیج فارس نیز از ۳۱ درصد کل نفت جهان در سال ۲۰۰۲ به ۳۶ درصد در سال ۲۰۲۰ محتمل است (Bahgat, 2002, p. 460).

این واقعیت‌ها باعث شد تا پروفیسور جغری کمپ^۱ دانشمند خبره آمریکایی، در سال ۱۹۹۷ در نوشته‌اش مجموعه سرزمین دربرگیرنده خلیج فارس و دریای خزر را «بیضی استراتژیک انرژی»^۲ نام دهد. دو منطقه‌ای که سرزمین‌های ایرانی را در میان خود دارند و ایران چون پلی استراتژیک این دو منبع انرژی جهان را به هم می‌پیوندد. چنین به نظر می‌رسد که کشورهای غربی، به ویژه ایالات متحده، رفته رفته با این واقعیت ژئوپلیتیک کنار می‌آیند که نه تنها منطقه مرکزی به دنیای مطالعات ژئوپلیتیک بازگشته است، بلکه از محل قدیمی خود به سوی جنوب حرکت کرده و در میان دو دریای خزر و خلیج فارس جای گرفته است، به طوری که ایران در قلب این منطقه مرکزی جدید قرار می‌گیرد (مجته‌زاده، همان، ص ۲۸۵).

۲-۷ فولر و قبله عالم

فولر، تحلیلگر عالی رتبه سازمان سیا، تقریباً بیست سال از عمر خود را در منطقه خاور میانه گذرانده است. وی در کتابی که آن را قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران^۳ نام نهاده یکی از

1. Goffrey Kamp

2. strategic energy ellipse

3. *The Center of the Universe, the Geopolitics of Iran*

اولین و جامع‌ترین کتاب‌های ژئوپلیتیک درباره ایران را به رشته تحریر درآورده است. وی در عنوان کتاب خود از اصطلاح «قبله عالم» بدین دلیل استفاده کرده که معتقد است: «نگاه ایران به جهان عمیقاً ایران‌مدار است و در این دیدگاه چنان تعصبی وجود دارد که بیگانگان همیشه نمی‌توانند آن را درک کنند. ایران طی سال‌های دهه ۱۹۸۰ در کانون توجه بین‌المللی قرار گرفت. این توجه در وهله اول محصول تأثیرگذاری انقلاب اسلامی و سپس تأثیر جنگ عراق با ایران بر منافع سیاسی و اقتصادی جهان بود» (فولر، همان، ص ۱).

۲-۸ فرانسوا توال و پدیده استثنائی ایران

فرانسوا توال^۱، استاد جغرافیای سیاسی معاصر فرانسوی، اخیراً در کتاب جالبی با عنوان ژئوپلیتیک شیعه^۲ مباحث متنوع و گسترده‌ای را درباره شیعیان جهان بررسی کرده است. بخش معتابیهی از این کتاب به مطالعه واقعیت‌های سیاسی و فرهنگی ایران اختصاص دارد که از نظر توال مرکز و قلب جهان تشیع است. او ایران را پدیده‌ای استثنائی می‌شمرد و پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) را یکی از پراهمیت‌ترین وقایع و انقلاب‌های نیمه دوم قرن بیستم و درحقیقت مهم‌ترین واقعه در طول تاریخ شیعه برمی‌شمارد. وی در بخشی از این کتاب می‌گوید: ایران شیعه از سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) به بعد به صورت عاملی ژئوپلیتیکی در تمام دنیای شیعه، در دنیای اسلام، و همچنین در حوزه‌های سیاسی دیگر که با آنها سروکار دارد، از جمله جهان غرب، نقش مهمی ایفا می‌کند (توال، ۱۳۸۲، ص ۵۷).

توال به درستی به این نکته اشاره کرده است و بدیهی است که درک ویژگی‌ها و حساسیت‌های ژئوپلیتیک تشیع برای سیاست خارجی ایران ضرورتی انکارناپذیر است. ایران با داشتن موقعیت منحصر به فرد خود در منطقه، با مجهز بودن به ابزار و امکانات طبیعی، جمعیتی، انرژی، نیروی انسانی، و ... باید مدیریت و رهبری دنیای شیعه را برعهده داشته باشد و، از طرفی، با ایجاد وحدت و همدلی در میان فرقه‌های گوناگون شیعه مانع

1. François Thual

2. *Geopolitique du chisme*

ضعف و ازهم گسیختگی آنان شود. از طرف دیگر، با در پیش گرفتن استراتژی مشخص و حساب شده و برقراری مناسبات مطمئن و منطقی با همسایگان خود برای خنثی کردن توطئه خطرناک و بزرگنمایی شده «هلال شیعی» بکوشد و در عین حال تلاش کند تا فرایند قدرت یابی شیعیان که در سال‌های اخیر حرکت طبیعی خود را آغاز کرده و به سمت احقاق حقوق فراموش شده خود در جریان است تداوم یابد (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۸).

۹-۲ ایران در اندیشه‌های برژینسکی

اندیشه‌های برژینسکی،^۱ مشاور امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری کارتر و استاد جغرافیای سیاسی سرشناسی است که نظراتش مورد توجه بیشتر دولتمردان در کشورهای مختلف قرار می‌گیرد. وی ریاست گروهی تحقیقاتی در شورای روابط خارجی آمریکا را برعهده داشت که نتیجه تحقیقات خود را در گزارشی با نام «اشتباهات سیاست‌های آمریکا در قبال ایران» در تابستان ۱۳۸۳ منتشر کرد.

به اعتقاد برژینسکی، منطقه خاور میانه، پیچیده، بی ثبات، و برای منافع راهبردی گوناگون آمریکا بسیار حیاتی است. ایران در مرکز این موقعیت است، چه از لحاظ نمادین و چه به مفهوم واقعی، و بدین لحاظ، عملکرد آن در عرصه داخلی و بین‌المللی عواقبی گسترده برای منطقه و منافع آمریکا دارد. برژینسکی معتقد است ایالات متحده به جای آنکه منتظر سقوط جمهوری اسلامی باشد، باید با این رژیم کنار بیاید.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، به برخی از نظریه‌های ژئوپلیتیک و علوم نزدیک به آن پرداخته شد و بسیار موجز جایگاه ایران در این نظریه‌ها، بدون هیچ نقدی بررسی شد. بدون شک، نگاه نقادانه به جایگاه ایران در نظریه‌های جهانی ژئوپلیتیک مجال و فرصتی دیگر می‌طلبد. در عین حال، در

1. Zbigniew Brzezinski

این مقاله با نگاه توصیفی مشخص شد که نظریه پردازان معروف در اندیشه‌های خود موقعیت ایران را نادیده نگرفته‌اند و نقش بی‌نظیر این کشور را در تأثیرگذاری در مسائل مختلف جهانی مطرح کرده‌اند. به نقش آفرینی ایران هم از بُعد جغرافیایی و سرزمینی و هم از ابعاد سیاسی، تاریخی، فرهنگی، و اجتماعی نیز در بیشتر این نظریه‌ها اشاره شده است.

مکیندر ایران را به دو بخش تقسیم می‌کند. از ارتفاعات البرز به سمت شمال را جزء منطقه مرکزی یا قلب زمین و از البرز به سمت جنوب را جزء هلال داخلی می‌داند. ماهان، در نظریه قدرت دریایی، برای ایران موقعیت گذرگاهی قائل بود که در مسیر دسترسی قدرت زمینی روسیه به اقیانوس‌های جهان قرار دارد. ایران در نظریه اسپایکمن بخش مهمی از منطقه مرزی است و به همین دلیل موضوع رقابت دو قدرت زمینی و دریایی قرار گرفته است. کوئن در نظریه نظام‌مند خود ایران را عنصری بی‌قرینه و کشوری بنیادگرا می‌شمرد ولی در نظریه ساختار ژئوپلیتیک جهان ایران را بخش مهم منطقه خردشده خاور میانه می‌داند که می‌تواند منشأ تحول باشد. از نظر هانتینگتن ایران مرکز تمدن اسلامی است که اتحاد آن با تمدن کنفوسیوسی ممکن است پایه‌های تمدن غرب را متزلزل سازد. جفری کمپ ایران را منطقه مرکزی جدیدی در ژئوپلیتیک پست‌مدرن تصور می‌کند و فولر از آن با عنوان قبله عالم یاد می‌کند. ایران در دیدگاه توال، سرچشمه تحرک و پویایی جهان تشیع و جهان اسلام است که، با داشتن سابقه تاریخی و موقعیت مرکزی در این مورد، احتمالاً در آینده رهبری دنیای شیعه را برعهده خواهد داشت. برژینسکی نیز، با جلب توجه دولتمردان امریکا به واقعیت‌های ایران، راهکارهای منطقی را به آنان پیشنهاد می‌دهد.

تمام این دیدگاه‌ها حاکی از آن است که جغرافیای ایران موقعیتی منحصر به فرد در اختیار این کشور نهاده و نمی‌توان جایگاه آن را در استراتژی‌های منطقه‌ای و جهانی نادیده گرفت. از طرف دیگر شایسته است مسئولان کشور نیز، با توجه بیشتر و آگاهی عمیق‌تر از این واقعیت‌ها، به بهترین شکل از امکانات کشور برای تأمین منافع ملی و سعادت دنیوی و اخروی ملت ایران استفاده کنند.

منابع و مأخذ

- اتوتایل، جیروئید و دیگران (۱۳۸۰)، *اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم*، ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- احمدی، سیدعباس (۳۰ تیر ۱۳۸۶)، «اهمیت ژئوپلیتیک تشیع و موقعیت مرکزی ایران»، *هفته‌نامه جام هفته*، س ۹، ش ۳۸۱.
- امیری، مجتبی (۱۳۸۲)، *نظریه برخورد تمدن‌ها*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- بختیاری، سعید (۱۳۷۸)، *اطلس کامل گیتاشناسی*، چ ۱۳، تهران، مؤسسه گیتاشناسی.
- توال، فرانسوا (۱۳۸۲)، *ژئوپلیتیک شیعه*، ترجمه کتایون باصر، تهران، ویستار.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران، سمت.
- _____ (۱۳۸۲)، *جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد درس نظریه‌ها و مفاهیم ژئوپلیتیک*، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۰)، *ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم*، تهران، سمت.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳)، *قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز.
- گنجی، محمدحسن (۱۳۷۷)، *گفتاری از دکتر محمدحسن گنجی در ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی*، تهران، نی.
- لورو، پاسکال و فرانسوا توال (۱۳۸۱)، *کلیدهای ژئوپلیتیک*، ترجمه حسن صدوق ویننی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مجته‌زاده، پیروز (۱۳۷۹)، *ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی*، تهران، نی.
- _____ (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران، سمت.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه دره میرحیدر و سیدیحیی صفوی، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

نصر، سیدحسین (۱۳۷۴)، برخورد تمدن‌ها و پیامد آن برای ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

Bahgat, Gawdat (2002), *The New Geopolitics of Oil*, USA, Foreign Policy Research Institute.

Fillipani-Ronconi (1978) of Naples University, *The Tradition of Sacred Kingship in Iran*, in George Lenczowskis Publication on Iran, USA.

Glassner, Martin (1992), *Political Geography*, Singapore, John Wiley & Sons Inc.

Huntington, Samuel P. (1993), *The Clash of Civilizations*, in *Geopolitics Reader*, London, Routledge Press.

Ilf, J. H. (1953), "Persia and the Ancient World", in A. J. Arberry's *The Legacy of Persia*, Oxford.

Otuathail, Gearoid (1996), *Critical Geopolitics*, London, Rutledge Press.

